

۳

تحلیل روابط ایران و هند بر اساس نظریه سازه‌انگاری: نگاهی به رویکرد سیاست خارجی دولت روحانی و مودی

ایوب حیدری^۱

ارسالان قربانی شیخ‌نشین^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰

^۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل heidari.ayoub@gmail.com

^۲. استاد گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی arsalanh@yahoo.com

چکیده

ایران و هند روابط دیرینه‌ای با یکدیگر دارند که همواره با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. در این نوشتار برای شناخت عوامل مؤثر در روابط دو کشور، از نظریه سازه‌انگاری کمک گرفته شده است که علاوه بر نقش عوامل مادی به نقش عوامل غیرمادی نیز می‌پردازد. در پژوهش حاضر، به این سؤال پاسخ خواهیم داد که روابط ایران و هند از منظر نظریه سازه‌انگاری چگونه قابل تبیین است. فرضیه پژوهش این است که سیاست خارجی برآمده از هویت جمهوری اسلامی ایران در تعارض با نظم لیبرالی و سیاست خارجی متمایل به غرب هند، منجر به ایجاد موانع و محدودیت‌های ساختاری شده و از توسعه روابط ایران و هند در حد مطلوب و مورد انتظار، جلوگیری نموده است. دستاورد پژوهش این است که در مقطعی که دو کشور رویکرد مستقلی در سیاست خارجی در سطح کارگزار اتخاذ نموده‌اند، محدودیت‌های ساختاری کاهش یافته و در نتیجه شاهد توسعه روابط ایران و هند بوده‌ایم و در مقابل اتخاذ برخی رویکردها در سیاست خارجی دو کشور بر محدودیت‌های ساختاری افزوده است. در نوشتار حاضر، تلاش شده است که با بهره‌گیری از نظریه سازه‌انگاری به نقش عوامل ساختار و کارگزار در روابط ایران و هند اشاره شود. این پژوهش با روش کیفی و رویکرد بینادهنی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و اینترنتی به موضوع مورد بحث می‌پردازد.

• واژگان کلیدی

سیاست خارجی، سازه‌انگاری، هویت، ایران، هند.

مقدمه

شبه‌قاره هند یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیک در سیاست خارجی ایران به شمار می‌رود. این منطقه که حذفاصل کشورهای شرق آسیا است از نظر مسائل امنیتی، سیاسی، تجاری (دریایی و زمینی) و فرهنگی جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی ایران دارد. پیوندهای تاریخی و فرهنگی ایران و هند ریشه‌ای دیرینه دارد اما تاریخ روابط دو کشور همواره با فراز و فرودهایی همراه بوده است که علت آن را باید در رویکردهای سیاست خارجی دو کشور و ساختار نظام بین‌الملل جستجو کرد. ساختار نظام دوقطبی، جنگ سرد و سلطه نظم لیبرالی در سطح ساختار از یک سو و انقلاب اسلامی ایران، سیاست خارجی برآمده از آن و رویکرد توسعه محور هند در سیاست خارجی از سوی دیگر از جمله عواملی است در دوران معاصر روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار داده است. رویکرد سیاست خارجی ایران و هند مانند هر کشور دیگری تحت تأثیر عوامل داخلی و محیط بیرونی شکل می‌گیرد. عواملی که برخی از آن‌ها هم‌چون جغرافیا ثابت و برخی دیگر مانند کارگزاران سیاست خارجی متغیر هستند. برآیند تأثیر عوامل داخلی و محیط بیرونی این بوده است که روابط خارجی دو کشور در دولت‌ها و برهه‌های مختلف با فراز و نشیب‌هایی همراه باشد. برای درک بهتر از تحولات سیاست خارجی و ارتباط بهتر همه عوامل مادی و غیرمادی دخیل در سیاست خارجی، در این پژوهش از نظریه سازه‌نگاری کمک گرفته-ایم و با رویکردی بیناذهنی به بررسی نقش عوامل داخلی یعنی کارگزار و محیط منطقه‌ای و بین‌المللی یعنی ساختار در روابط ایران و هند خواهیم پرداخت.

در خصوص موضوع پژوهش، نوشتارهای علمی مختلفی نگاشته شده است. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم نمود: ۱- اول نوشتارهای که نگرشی تاریخی به روابط ایران و هند دارند که در این خصوص می‌توان به مقاله «تاریخ روابط ایران و هند» از مهدی فرهانی منفرد، مقاله «روابط هند قدیم و ایران باستانی» از علی‌اصغر حکمت، مقاله «روابط ایران و هند در عهد باستان» از علاءالدین آذری، مقاله «مقدمه‌ای بر روابط ایران و هند در دوران باستان» و مواردی از این دست اشاره نمود؛ ۲- دوم نوشتارهایی که از منظر فرهنگی و ادبی به روابط دو کشور پرداخته‌اند که در این زمینه می‌توان به مقاله «روابط فرهنگی ایران و هند در قبل از اسلام» از محمدرضا حافظ نیا، مقاله «ویژگی‌های دوره اکبری در روابط فرهنگی ایران و هند» از کریم نجفی برزگر، مقاله «روابط فرهنگی و ادبی ایران و هند

در نیمه قرن بیستم از سیده فاطمه بلقیس حسینی» و... اشاره کرد؛ ۳-نوشتارهایی که از نظر سیاسی-اقتصادی و روابط خارجی به روابط ایران و هند پرداخته‌اند که از مهم‌ترین آن‌های می-توان به مقاله «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و هند: حوزه‌های تعامل و تقابل» اثر فشارکی و مقاله «روابط ایران و هند فرصت‌ها و محدودیت‌ها»، اثر نیاکویی و بهرامی مقدم اشاره کرد. هدف پژوهش که در دسته سوم جای می‌گیرد، کمک به شناخت بهتر عوامل دخیل در رابطه ایران و هند است.

سازهانگاری

سازهانگاری^۱ در روابط بین‌الملل از پایان جنگ سرد ورود پیدا کرد، یعنی زمانی که نظریات سنتی نظیر واقع‌گرایی^۲ و لیبرالیسم^۳ قادر به توضیح و تبیین شرایط موجود نبودند. این نظریه به جهان و شناخت ما از جهان به‌عنوان یک برساخته اجتماعی می‌نگرد. از منظر سازهانگاری، انگاره‌ها و باورها که ریشه در تاریخ، فرهنگ، سیاست و اجتماع دارد، نه تنها سازمان‌دهنده رفتار بازیگران به‌ویژه دولت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر، در عرصه روابط بین‌الملل هستند بلکه تأثیر مهمی بر هویت آن‌ها هم دارند. هویت بازیگران هم‌چنین در تعامل با سایر بازیگران شکل گرفته، تعدیل و تغییر می‌یابد. این هویت‌ها هستند که منافع و اولویت سیاست خارجی دولت‌ها و نحوه تعامل با سایر بازیگران را تعیین می‌کند. «هویت یا به تعبیر نیکلاس اونف^۴ برچسب‌های هویتی از طریق دخالت مستقیم در مرزبندی‌های هویتی، شکل دادن به درک کارگزاران از تهدید و خلق هویت‌هایی که از نظر دیگران تهدیدآفرین هستند، امنیت دولت‌ها و انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد» (مشیرزاده و مسعودی، ۱۳۸۸: ۲۶۱). بازیگران براساس هویت به تعامل با یکدیگر می‌پردازند. الکساندر ونت^۵ همکاری دولت‌ها را پدیده‌ای پیوسته با هویت دولت‌ها تلقی می‌کند (عسگرخانی و منصوری مقدم، ۱۳۸۹: ۱۹۵-۱۹۴).

سازهانگاری علاوه بر انگاره‌ها و باورهای بازیگران یعنی کارگزار، عامل دیگری را نیز در شکل‌گیری سیاست خارجی و تعامل بازیگران با یکدیگر دخیل می‌داند و آن ساختار نظام بین‌الملل است. درواقع، آن‌چه سازهانگاری را از نظریه‌های سنتی متفاوت می‌سازد، نظریه‌پردازی درباره

1. Constructivism

2. Realism

3. Liberalism

4. Nicholas Onuf

5. Alexander Wendt

رابطه میان کارگزار و ساختار است که در آثار سازه‌انگاری درباره سیاست خارجی نیز قابل مشاهده است (مشیرزاده، ۱۳۹۳: ۶۷).

در نظریه‌ی سازه‌انگاری ضمن تأکید بر ویژگی ساختاری و نهادی مفهوم دولت؛ هویت آن نه به‌عنوان مسئله‌ای شخصی یا روان‌شناختی، بلکه امری رابطه‌ای تلقی می‌شود که به‌وسیله‌ی تعامل بازیگران با یکدیگر، مشارکت در معانی جمعی و از درون یک دنیای اجتماعی تکوین‌یافته پدید می‌آید و تغییر می‌کند. از این‌رو، هویت‌ها نه ثابت هستند و نه شبیه به هم‌دیگر، بلکه تمام آن‌ها مشروط، وابسته به تعامل و جای گرفته در درون یک متن نهادی هستند (ازغندی و کافی، ۱۳۹۱: ۲۲۲). از این منظر، دولت‌ها کارگزارانی هستند که هم از ساختارهای بین‌دولتی داخلی و هم از ساختارهای تلقین‌های عرصه‌ی بین‌المللی متأثر می‌شوند و رابطه‌ی دوجانبه و تأثیرگذاری متقابل ساختار و کارگزار در این زمینه وجود دارد، لذا سیاست خارجی می‌تواند متأثر از هویت باشد.

سازه‌انگاران بر رابطه متقابل میان کارگزار و ساختار تأکید دارند. آن‌ها از یک‌سو در برابر برداشت‌های فردگرایانه و اراده‌گرایانه‌ای قرار می‌گیرند که صرفاً بر نیات و کنش کارگزار تأکید می‌کنند و ساختارها را چیزی جز مجموعه‌ای از واحدها یا کنش‌گران نمی‌دانند؛ از سوی دیگر، در مقابل نگرش‌های ساختارگرایانه‌ای هستند که با تمرکز بر نقش ساختارها در تعیین بخشیدن به هویت و رفتار کنش‌گران جایی برای نقش آگاهی، فاعلیت و عاملیت اجتماعی نمی‌گذارند. از نظر ونت، ساختارهای اجتماعی نتیجه پیامدهای خواسته و ناخواسته کنش انسانی هستند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۸). نیکلاس اوف بر نقش قواعد در قوام‌بخشی متقابل اشخاص و جوامع تأکید دارد. قواعد، کارگزاران را براساس ساختارها و ساختارها را بر مبنای کارگزاران تعریف می‌کنند و این تعاریف نیز هرگز قطعی نیستند. به‌عبارت‌دیگر، با تغییر در تعداد، نوع، رابطه و محتوای قواعد است که ساختارها و کارگزاران به شکل مستمر باز تعریف می‌شوند (Onuf, 1989: 7-8).

هم‌چنین سازه‌انگاران با تعریف روابط بین‌الملل به‌عنوان یک ساخت اجتماعی به عوامل معنایی مانند فرهنگ، هنجارها و انگاره‌ها بها می‌دهند و به کارگزار اجازه می‌دهند اعمال بازاندیشانه آفرینش اجتماعی را البته در چارچوب محدودیت‌های ساختاری داشته باشد (سلیمی، ۱۳۸۴: ۲۳۴). سازه‌انگاران کارگزاران را قادر به انتخاب کردن و عمل کردن براساس انتخابشان در یک محیط اجتماعی می‌دانند. در مقابل نیز ساختار اجتماعی می‌تواند محدودیت‌هایی بر کارگزار ایجاد کند و رفتار اجتماعی او را جهت دهد (Guzzini, 2000: 154).

پیشینه روابط ایران و هند

روابط دوجانبه بین هند و ایران به دلیل اشتراکات فرهنگی و تمدنی و روابط تاریخی، روابطی ویژه است. روابط هند با ایران از دیرباز مملو از پیچیدگی بوده است و امروز از لحاظ ژئواستراتژیک و نقش کشورهای ثالث مانند ایالات متحده، پاکستان، چین، اسرائیل و عربستان سعودی پیچیده‌تر شده است. علاوه بر این، تغییر واقعیت‌های ساختاری در سیاست جهانی چون جنگ سرد، حمله شوروی به افغانستان در دهه ۱۹۸۰ و تحولات سیاسی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و هم‌چنین تغییر رویکرد امنیت منطقه‌ای هند و رقابت با چین، توسعه این روابط را بیشتر تحت تأثیر قرار داده است.

روابط اقتصادی و فرهنگی ایران و هند به‌عنوان دو تمدن کهن و باستانی به هزاران سال قبل برمی‌گردد. حضور جمعیت پارسیان در هند که امروز تعداد آن‌ها از ۷۰,۰۰۰ نفر بیشتر است، شاهدی بر این ادعا است. علاوه بر حضور پارسیان، حضور جمعیت چند ده میلیونی شیعیان در هند، امروزه تهران و دهلی را هر چه بیشتر از نظر فرهنگی به هم پیوند می‌زند (Twinning, 2008: 3). مبادلات اقتصادی و فرهنگی فراوانی که از طریق مسیر ابریشم صورت می‌گرفته، باعث شکل‌گیری پیوندهای عمیق فرهنگی و در نتیجه گسترش زبان فارسی در هند شده است (عامر، ۱۳۷۸: ۴۳). لذا هند و ایران از دیرباز به‌عنوان دو تمدن همسایه با یکدیگر در تعامل بوده‌اند، اما استعمار انگلیس روابط بین دو کشور را تضعیف کرد. با این حال، پس از استقلال هند در سال ۱۹۴۷، روابط دوجانبه بار دیگر احیا شد (نیاکوئی و بهرامی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۲۵)؛ اما بروز جنگ سرد روابط دو کشور تحت تأثیر بلوک‌بندی‌های شرق و غرب قرار گرفت. در حالی که ایران دنباله‌رو بلوک غرب بود، هند به پیروی از بلوک شرق پرداخت. علی‌رغم دنباله‌روی از بلوک‌های مختلف، ایران و هند تلاش کردند که روابط حسنه خود را حفظ کنند، به طوری که دو کشور در مارس ۱۹۵۰، پیمان دوستی امضا کردند. رهبران و وزرای هر دو کشور نیز دیدارهای متقابلی داشتند که از سفر محمدرضا پهلوی به هند در سال ۱۹۵۶ آغاز شد. نخست وزیران جواهر لعل نهرو^۱ و ایندیرا گاندی^۲ نیز به ایران سفر کردند و با احترام‌پذیری شدند؛ اما این دوستی با عضویت ایران در پیمان سنتو^۳ و حمایت ایران از پاکستان در موضوع کشمیر جای خود را به تیرگی روابط داد (Sidda Goud and Mookherjees, 2014: 16).

¹. Jawaharlal Nehru

². Indira Gandhi

³ Central Treaty Organization (CENTO)

علی‌رغم این‌که هند و ایران در سال‌های پس از استقلال، زمینه‌های مشترک فراوانی را برای همکاری داشتند، اما رویکردهای سیاست خارجی دو کشور و واقعیت‌های بین‌المللی یعنی ساختار نظام بین‌الملل اجازه استفاده از این فرصت را برای ایجاد یک رابطه مترقی میان دو طرف نداد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و فاصله گرفتن آن از بلوک غرب، این تصور ایجاد شد که ایران و هند در فضای جدید، می‌توانند دورانی از همکاری‌های گسترده را آغاز کنند. استقبال هند از انقلاب ایران چنین انتظاراتی را تقویت کرد. حتی برخی در این دوران، اتحادی از ایران، هند و شوروی را بر ضد آمریکا، در افق می‌دیدند. با این حال دو عامل مانع از محقق شدن چنین اتحادی شد: نخست رویکرد نه شرقی و نه غربی ایران و دوم حمله شوروی به افغانستان (امساک، ۱۳۹۳؛ ۷۰۲-۷۰۰).

پس از پایان جنگ سرد، روابط دوجانبه هند و ایران رو به بهبودی گذاشت. ناراسیمها رائو^۱ نخست‌وزیر هند، در سال ۱۹۹۳، به‌طور رسمی به ایران سفر کرد. در پاسخ به سفر وی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی (رئیس‌جمهور وقت ایران) در سال ۱۹۹۵، به‌طور رسمی به هند سفر کرد. از آن زمان، روابط دوجانبه به صورتی گسترده افزایش پیدا کرد و به احیای تعاملات سیاسی و تحکیم مناسبات اقتصادی در بخش‌هایی مانند فناوری و فناوری اطلاعات انجامید (Pant, 2004: 371).

پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، دو کشور در مخالفت با طالبان موضع مشترکی گرفتند. در همین راستا، هیئت‌های عالی‌رتبه دو کشور سفرهای متقابلی انجام دادند که مهم‌ترین آن‌ها سفر نخست‌وزیر و اجپایی^۲ به تهران در سال ۲۰۰۱ و سفر رئیس‌جمهور خاتمی به دهلی‌نو در سال ۲۰۰۳ بود (Alam, 2011: 54). در جریان سفر رئیس‌جمهور وقت ایران به هند، «اعلامیه دهلی‌نو»^۳ در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۳، به امضای دو کشور رسید که از دو کشور می‌خواست همکاری استراتژیک خود در کشور ثالث (افغانستان) را افزایش دهند (احمدی فشارکی، ۱۳۹۰: ۱۶۳). پیش از آن، در جریان سفر نخست‌وزیر و اجپایی به ایران، «اعلامیه تهران»^۴ بین دو کشور امضا شد که شامل همکاری در زمینه انرژی و تجارت، حمل‌ونقل، کشاورزی، صنعت، همکاری‌های علمی و فنی و غیره می‌شد (sidda Goud and Mookherjees, 2014: 18).

یکی از مهم‌ترین سندهای امضاشده «نقشه راه همکاری استراتژیک» بود که دو طرف در خصوص موارد ذیل تعهد دادند؛ توسعه بندر چابهار، توسعه تجارت غیرنفتی، همکاری برای

1. Narasimha Rao

1. Vajpayee

3. New Delhi Declaration. President Mohammad Khatami's Visit to India 24-28 January 2003

4. Tehran Declaration April 10, 2001

انجام پروژه راه آهن فهرج-بم، گسترش همکاری‌های دفاعی، مبارزه با تروریسم و مقابله با قاچاق مواد مخدر (Alam, 2011: 249).

با عقب‌نشینی نیروهای شوروی از افغانستان در فوریه ۱۹۸۹، روابط بیش‌ازپیش بهبود یافت. در این مقطع زمانی خاص، هند، ایران و ایالات متحده آمریکا در یک جبهه قرار گرفتند و محدودیت در سطح ساختار نظام بین‌الملل برای توسعه روابط دو کشور کاهش یافته بود. از طرف دیگر در سطح کارگزاری نیز روی کار آمدن آقای خاتمی و گفتمان اصلاحات و ارائه طرح گفتگوی تمدن‌ها باعث ارسال پیام‌های مثبتی به کشورهای دیگر شده بود و برداشت‌ها و تصورات ذهنی از ایران در نزد سایر کشورها مثبت ارزیابی می‌شد.

اما روابط دو کشور مطابق با انتظارات پیشرفت نکرد. عوامل زیادی را می‌توان در این خصوص برشمرد. مهم‌ترین عامل مسائل مربوط جمعیت مسلمانان در هند، به ویژه مسلمانان شیعه است که چگونگی تعامل دولت هند با آنان برای ایران مهم می‌باشد. عوامل دیگر را می‌توان، محدودیت‌ها و تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، روابط هند با رژیم اسرائیل، روابط هند با کشورهای عربی، روابط ایران و هند با چین و دیگر مسائل، برشمرد که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها در چارچوب مورد بحث در نگارش حاضر خواهیم پرداخت.

سیاست خارجی ایران در قبال هند از منظر ساختار-کارگزار

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قالب نظریه‌های مختلفی تحلیل و تفسیر شده است. از آنجایی که سیاست خارجی هر کشوری ریشه در سیاست داخلی آن کشور دارد، برای درک بهتر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید به ماهیت و هویت نظام سیاسی در ایران پرداخت و منابع هویتی آن را به‌درستی شناخت. در بررسی منابع ذهنی که هویت دولت‌ها را شکل می‌دهند، نظریه‌پردازان سازه‌انگاری بر سطوح مختلفی از ساختارهای معنایی تأکید می‌کنند. تأکید ونت بر هنجارهای بین‌المللی و ساختارهای معنایی نظام بین‌الملل به‌عنوان عامل اصلی شکل‌دهنده به هویت دولت‌ها است. در مقابل پیتر کاتزنشتاین^۱ بر عوامل داخلی در شکل‌گیری هویت تأکید می‌کند. سازه‌انگاران کل‌گرا هم‌چون کراتوچویل^۲ و راگی^۳ نیز بررسی عوامل معنایی در هر دو سطح را ضروری می‌دانند. تأکید بر هنجارهای بین‌المللی بیانگر شباهت

1. Peter Joachim Katzenstein

2. Friedrich Kratochwil

3. John Ruggie

در سیاست خارجی و در مقابل تأکید بر هنجارهای داخلی بیانگر تفاوت در سیاست خارجی است (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۱۸۳). از آنجایی که پرداختن به همه عوامل و منابع هویتی داخلی و بین‌المللی مستلزم پژوهشی جامع است، در این پژوهش تنها به عوامل و منابع داخلی هویت‌ساز جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

با تأکید بر نظریه ونت در سازه‌انگاری، سیاست خارجی یک کشور براساس مفاهیم بین‌الذنهانی و متأثر از ساختارهای مادی و معنایی، ساخته می‌شوند. این برساختگی در سیاست خارجی، در فرایند ساخت هویت و نقشی که هر دولت برای خود تصور می‌کند شکل می‌گیرد؛ بنابراین هویت‌ها، تصور هر دولت از نقش خود در روابط بین‌الملل و منافع آنان را شکل می‌دهد و براساس این منافع، رفتارها و اقدامات سیاست خارجی به وجود می‌آیند. به عبارت دیگر، هویت‌های اجتماعی؛ برداشت‌های هر دولت از خود و تعریف «خود» به‌عنوان دوست و یا دشمن «دیگری»، نقش مهمی در ساخت نوع منافع آن دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۲۵). در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آن دسته از منابع هویتی که در ۳۲ سال گذشته دارای تأثیراتی بوده عبارت است از:

- ۱- ذهنیت تاریخی ایرانیان؛
- ۲- اسلام‌گرایی و چارچوب‌های فقهی برآمده از آن؛
- ۳- تجربه تاریخی معاصر ایرانیان (رنجکش و ثروتی، ۱۳۹۰: ۱۳۷).

بنابراین با دیدگاهی سازه‌انگارانه، وقتی از جمهوری اسلامی صحبت می‌کنیم، این صفت «اسلامی» است که تعیین‌کننده‌ی مجموعه‌ی هنجارها و ارزش‌هایی است که هویت جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (مظاهری و ملایی، ۱۳۹۲: ۱۳۴). بر این اساس در مقطع پس از انقلاب، به دلیل شرایط انقلابی حاکم بر جامعه ایرانی و نیز عقاید و باورهای کارگزاران سیاسی، سایر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی یعنی حوزه‌ی ایران باستان و حوزه‌ی غرب، مورد بی‌توجهی قرار گرفته و تنها اصول اسلامی هستند که در تعریف هویت ملی ایرانیان به چشم می‌آیند. البته باید به این نکته اذعان داشت که نگرش کارگزاران جمهوری اسلامی ایران در باب نقش ارزش‌های اسلامی و نیز هویت ملی همواره یکسان نبوده است (مظاهری و ملایی، ۱۳۹۲: ۱۳۵-۱۳۴).

هویت هر فرد و یا کشوری از منابع مختلفی استخراج می‌شود. شاید بتوان در یک دسته‌بندی کلی، هویت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک نظام سیاسی تعیین‌یافته در قلمرو سرزمینی و برخاسته از انقلاب اسلامی را که در مسیر توسعه گام برمی‌دارد، در قالب مربع هویتی تعریف و تعیین کرد. هویت اسلامی، ایرانی، انقلابی و غیرمتعهد بودن اضلاع چهارگانه مربع هویتی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل

می‌دهند. البته وزن اضلاع به یک نسبت نیست و می‌توان اسلامی بودن را ضلع اصلی دانست که حتی اضلاع دیگر ذیل آن جای می‌گیرند. به همین دلیل است که در چشم‌انداز بیست‌ساله نیز ایران به‌عنوان کشوری با هویت اسلامی و انقلابی تعریف شده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۵۴).

اگر مهم‌ترین خصلت سیاست خارجی ایران را در اسلامیت و انقلابی بودن آن بدانیم، ایران اسلامی در سیاست خارجی خود رسالت، تعهد و نقش خاصی قائل است که آن را در چالش با ساختار نظام بین‌الملل قرار می‌دهد. تحلیل انقلاب اسلامی ایران در سطح کلان نشان می‌دهد که انقلاب ایران اساساً در تعارض با نظام بین‌الملل رخ داد و ارزش‌ها و هنجارهایی را مطرح کرد که با منافع قدرت‌های حامی حفظ وضع موجود تعارض داشت. برخی از این ارزش‌ها عبارت‌اند از: استقلال، آزادی، عدالت، حق تعیین سرنوشت، همبستگی و اتحاد مستضعفان، بیداری مسلمانان، حقانیت ملت‌های محروم، حق طلبی، همکاری، همیاری و از طرف دیگر مبارزه علیه قدرت‌طلبی، غارتگری، زورگویی، انحصارطلبی، پایگاه خارجی، تجاوز، امپریالیسم، استعمار، جهالت، تفرقه و اختلاف. ایران اسلامی با طرح این ارزش‌ها در سیاست خارجی خود تلاش کرده تا افکار عمومی ملل محروم و مستضعف جهان سوم را در جهت تغییر و تحول در نظام بین‌الملل تحت تأثیر قرار دهد و ارزش‌های مطرح‌شده را تبدیل به هنجار سازد (ستوده، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۱).

مصادق‌های متعددی را می‌توان از هنجارسازی ارزش‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ذکر کرد. با توجه به موارد فوق‌الذکر و براساس مبانی نظری و رفتارهای جمهوری اسلامی ایران از ابتدا تاکنون می‌توان اصول زیر را برای سیاست خارجی ج.ا.ا قائل شد:

- ۱- ترجیح دادن ملت‌ها بر دولت‌ها در روابط بین‌المللی؛
- ۲- ترجیح دادن نهضت‌ها بر دولت‌ها در روابط بین‌المللی؛
- ۳- مبارزه با اسرائیل و دفاع همه‌جانبه از نهضت اسلامی فلسطین؛
- ۴- ضدیت و مبارزه با آمریکا به‌عنوان سمبل استکبار؛
- ۵- قائل نبودن به سطوح قدرت در میان کشورها؛
- ۶- مخالفت با ساختار سازمان ملل و حق وتو؛
- ۷- اعتقاد به تفکیک روابط خارجی اقتصادی از روابط خارجی سیاسی؛
- ۸- تأکید و اجرای همه‌جانبه استقلال سیاسی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری؛
- ۹- ترجیح دادن اعتقادات بر منافع اقتصادی و تجاری در روابط دوجانبه؛
- ۱۰- فاصله استراتژیک از قدرت‌های بزرگ و منافع و سیاست‌های آن‌ها؛

۱۱- اهمیت دادن به عدالت سیاسی در روابط میان دولت‌ها (سریع القلم، ۱۳۸۸: ۲۸-۲۷). با نگاهی به سیاست خارجی دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی، می‌توان گفت که رهیافت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تا حدود زیادی ثابت بوده و اصول آن (که در بالا به آن‌ها اشاره شد) تغییر پیدا نکرده است، اما هر دولت رویکرد متفاوت و مختص به خود را برای اعمال اصول و نیل به اهداف سیاست خارجی اتخاذ کرده است. در خصوص روابط ایران و هند، رویکرد دولتهایی که منجر به کاهش محدودیت‌های ساختاری شده است، به بهبود روابط دو کشور منتهی شده است. در این نگارش برای نمونه به دولت آقای روحانی پرداخته می‌شود. دولت آقای روحانی را می‌توان به‌عنوان نمونه‌ای از اتخاذ رویکرد تعامل‌گرایانه در سیاست خارجی مثال زد که در نتیجه آن محدودیت‌های ساختاری کاهش یافته و فضا برای توسعه مناسبات ایران و هند فراهم شد. آقای روحانی نشان داد که وی هدف دولت در عرصه سیاست خارجی را ایجاد زمینه مساعد بین‌المللی برای تعامل سازنده و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی ارزیابی می‌کند (رضایی و ترابی، ۱۳۹۲: ۱۴۵). لذا دولت یازدهم از همان ابتدای تشکیل، هدف خود را حل و فصل بحران‌های اقتصادی، اداری و بین‌المللی اعلام نمود؛ زیرا آنان معتقد بودند که منبع عمده مشکلات اقتصادی کشور، اختلاف بر سر پرونده هسته‌ای ایران و تحمیل تحریم‌های سخت بوده است. افزایش تنش بر سر موضوع هسته‌ای میان ایران و غرب منجر به اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی از سوی غرب بر ایران شد (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۲: ۱۰۴-۱۰۳). لذا رفع موانع ساختاری در دستور کار دولت آقای روحانی قرار گرفت. بنابراین، می‌توان گفت که دولت یازدهم با اتخاذ و پیگیری رویکرد تعامل سازنده با جهان، سیاست نگاه به شرق و شمال و جنوب، اولویت دادن به روابط دوستانه و نزدیک با همه‌ی همسایگان، تلاش برای حل مشکل پرونده هسته‌ای ایران، تلاش برای کاهش تنش بین ایران و آمریکا، آرمان‌خواهی واقع‌گرایانه، تعامل با نظم بین‌المللی و قدرت‌جویی بین‌المللی محاسبه-گرایانه و رویکرد برد-برد، تغییرات اساسی در نگاه و رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ایجاد نمود (محمدیان و رضایی، ۱۳۹۵: ۳-۴). اتخاذ چنین رویکردی در سیاست خارجی در سطح کارگزار منجر به توافق هسته‌ای و به دنبال آن بهبود رابطه ایران و هند گردید. هند از توافق هسته‌ای ایران و لغو تحریم‌های مرتبط با پرونده هسته‌ای استقبال کرد. در بیانیه وزارت امور خارجه هند خاطر نشان شد: «هند مشتاقانه به دنبال توسعه بیشتر همکاری‌های اقتصادی دیرینه، نزدیک و متقابل با ایران از جمله در حوزه‌های انرژی و پیوندهای منطقه-

ای است» (Ganapathi, 2016). در حالی که ایران به طور سنتی دومین تأمین کننده نفت خام هند بود، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران از سال ۲۰۰۳، هند را به دلیل نیاز آن کشور به انرژی، ناگزیر کرده بود تا در جستجوی تأمین کننده جدید در جاهای دیگر در عراق، کویت، امارات و عربستان سعودی باشد. در همین راستا پس از امضای برجام، نخست‌وزیر و وزیر امور نفت و گاز طبیعی هند برای توسعه مناسبات به ایران سفر کردند. هند و ایران توافق کردند که شرکت‌های هندی حدود ۲۰ میلیارد دلار در تأسیس کارخانه‌های پتروشیمی و کود شیمیایی در منطقه ویژه اقتصادی چابهار سرمایه‌گذاری کنند (سایت خبری تحلیلی الف، ۱۳۹۵). همچنین موافقت‌نامه‌های زیر بین دو کشور امضا شد:

۱- *موافقت‌نامه جامع همکاری اقتصادی ایران و هند*: توافق‌نامه جامع همکاری‌های اقتصادی ایران و هند در ۷۳ بند بین دو کشور امضا شد. سندی که براساس آن، دو طرف بر همکاری در زمینه انرژی، زیرساخت‌ها و ارتباطات، همکاری‌های بانکی، کنسولی، تجارت و گردشگری توافق کردند (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۳۹۴).

۲- *موافقت‌نامه سه‌جانبه ترانزیتی چابهار*^۲: در سفر نارندرا مودی^۳ (نخست‌وزیر هند) به ایران که در خردادماه ۱۳۹۵ صورت گرفت، علاوه بر امضای موافقت‌نامه سه‌جانبه بین‌المللی-ترانزیتی چابهار، ۱۲ سند همکاری بین تهران و دهلی‌نو مبادله شد. موافقت‌نامه سه‌جانبه ترانزیتی چابهار که در حضور حسن روحانی (رئیس‌جمهوری اسلامی ایران) نارندرا مودی (نخست‌وزیر هند) و اشرف غنی (رئیس‌جمهوری افغانستان) و وزرای راه سه کشور امضا شد. در واقع با استفاده از بندر چابهار، هند را از طریق افغانستان به آسیای میانه متصل و از سوی دیگر زمینه دسترسی افغانستان به هند را از طریق دریا فراهم گردید؛ زیرا بندر چابهار نزدیک‌ترین راه دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای میانه یعنی افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان به آب‌های آزاد است (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۱۳۹۵). لذا امضای توافق‌نامه توسعه بندر چابهار از دیگر برنامه‌های سفر نارندرا مودی (نخست‌وزیر هند) به ایران پس از برجام بود. همچنین وزیر کشتیرانی، حمل‌ونقل و بزرگراه‌های هند از آمادگی این کشور برای سرمایه‌گذاری ۱۵ میلیارد دلاری در ایران در بخش‌های مختلف سخن گفت (سایت میز نفت، ۱۳۹۴).

1. Comprehensive Economic Agreement

2. Chabahar Trilateral Transit Agreement

3. Narendra Modi

۳- توافقی برای صادرات بیشتر نفت ایران به هند: هند که در سال‌های تحریم، حدود ۲۰ درصد از نفت صادراتی ایران را خریداری می‌کرد در دوران پساتحریم به‌سرعت خرید نفت از ایران را افزایش داد. پس از برجام ایران از رتبه ششم به رتبه سوم صادرکنندگان عمده نفت به هند تبدیل شد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۵). در ادامه برنامه‌های هند برای گسترش هرچه بیشتر روابط با ایران، با لغو تمامی محدودیت‌های صادرات کالا به ایران گام دیگری برای گسترش بیش‌ازپیش روابط دو کشور برداشته شد. لذا در این برهه خاص همه شرایط برای توسعه روابط دو کشور فراهم شده بود. رویکردهای سیاست خارجی در سطح کارگزار در دو کشور باهم همخوانی داشته و محدودیت‌های ساختاری با امضای برجام برداشته شده بود.

اما تحولات بین‌المللی به‌گونه‌ای رقم خورد که بار دیگر محدودیت‌های ساختاری مانع از توسعه هرچه بیشتر روابط دو کشور شود. روی کار آمدن دونالد ترامپ^۱ در ایالات متحده و تغییر رویکرد وی در قبال برجام بار دیگر محدودیت‌های ساختاری را تشدید نمود. در سطح کارگزار نیز سیاست خارجی حزب حاکم هند بر محدودیت‌های موجود افزود. در ژوئن ۲۰۱۷، مودی سفری دوازده روزه به ایالات متحده انجام داد که اولین سفر وی پس از روی کار آمدن ترامپ بود. در ژوئیه ۲۰۱۷، مودی همچنین به اسرائیل (سرزمین‌های اشغالی) سفر کرد. وی پس از ۷۰ سال اولین نخست‌وزیر هند بود که از اسرائیل (سرزمین‌های اشغالی) دیدار کرد؛ مانند ایالات متحده، رژیم اسرائیل از تاثیر قابل توجهی بر روابط هند و ایران برخوردار است. ایران و رژیم اسرائیل هر دو یکدیگر را به عنوان تهدیدی وجودی برای هم‌دیگر می‌بینند. از طرف دیگر، هند موفق شده است روابط صمیمانه خود را با رژیم اسرائیل حفظ کند. هر دو کشور تقریباً در همه زمینه‌ها از کشاورزی گرفته تا مهم‌ترین زمینه دفاعی همکاری نزدیک دارند و این رژیم سومین تأمین‌کننده بزرگ اسلحه هند است (Hafeez, 2019: 32).

با خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران، هند واردات نفت خود را از ایران کاهش داد به این امید که از تحریم‌های آمریکا علیه ایران در امان بماند. گرچه هند و چند کشور دیگر آمریکا را قانع کردند که به دلیل نیاز به نفت ایران شامل معافیت شوند، اما آمریکا به آن‌ها دیکته نمود که پس از چند ماه معافیت باید واردات نفت خود را از ایران تا ماه مه ۲۰۱۹ به صفر برسانند (Hafeez, 2019: 34).

^۱. Donald Trump

سیاست خارجی هند در قبال ایران از منظر ساختار-کارگزار

رویکرد سیاست خارجی هند نسبت به جهان، طی یک و نیم دهه گذشته دچار تغییرات بنیادی شده است. این تغییر نگاه و اولویت امر اقتصادی در سیاست خارجی باعث نزدیکی هند به قدرت‌های بزرگ و حتی رقبای منطقه‌ای آن شده است. تغییر دیگری که در سیاست خارجی هند اتفاق افتاده است، دوری گزیدن از ایده رهبری جهان سوم و رسیدن به این درک است که ظرفیت ظاهر شدن به‌عنوان یک قدرت بزرگ در نظام بین‌الملل را دارد. اندیشه ضدغربی در سیاست خارجی هند به حاشیه رفته و این کشور به‌عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی جهان بیشترین تعهد را به ارزش‌های غربی بیرون از جهان یورو-آتلانتیک^۱ دارد (طاهری و بیات، ۱۳۹۷: ۱۹۴-۱۹۳). لذا از رفتار و عملکرد هند در سیاست خارجی می‌توان این‌گونه برداشت کرد که این کشور هویت خود را به‌عنوان کشوری در مسیر توسعه و تبدیل شدن به قدرت بین‌المللی تعریف کرده و در این مسیر سعی نموده است که روابط خود را با همه کشورهای منطقه‌های غربی، کشورهای منطقه و نیز کشورهای صادرکننده انرژی بهبود بخشد و به همین دلیل هند به‌ویژه در سال‌های اخیر تلاش کرده است که رویکرد اقتصادی را در سیاست خارجی دنبال کند و کمتر به مسائل سیاسی و امنیتی بپردازد. گسترش مناسبات هند با کشورهای حوزه خلیج فارس و هم‌چنین تلاش برای دسترسی به کشورهای منطقه آسیای مرکزی در همین راستا قابل ارزیابی است. به همین دلیل، برخی تحلیل‌گران اعتقاد دارند که این کشور رقابت منطقه‌ای خود با پاکستان را کاهش داده و بیشتر به رقابت با چین مشغول شده است. نیاز به انرژی و تلاش برای دسترسی به آسیای مرکزی (که به دلیل ناامنی‌های موجود در افغانستان از مسیر ایران دنبال می‌شود) هند را به‌صورت بالقوه به ایران نزدیک می‌کند.

اما رویکرد سیاست خارجی هند از طرف دیگر این کشور را به آمریکا نزدیک می‌کند که در صدد مهار نفوذ و قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی چین است. هند تحت هدایت مودی استراتژی پیچیده‌ای را در مقابل چین اتخاذ کرده است که می‌تواند ترکیبی از همکاری در نهادهایی مثل بانک توسعه آسیایی^۲، رقابت در منطقه «هند و اقیانوس آرام»^۳، مقابله با طرح‌هایی مانند «یک کمربند-یک راه»^۴ چین و بازدارندگی در اقیانوس هند نامیده شود. به همین منظور هند برای

1. Euro-Atlantic

2. Asian Development Bank (ADB)

3. Indo-Pacific region

4. One Belt One Road (OBOR)

حفاظت از حوزه نفوذ خود درصدد جلوگیری از هژمونی چین در آسیا و هم‌زمان معرفی خود به‌عنوان یک ابرقدرت منطقه‌ای است (Pardesi, 2021: 1).

در حال حاضر هند به لحاظ قدرت و جایگاه بین‌المللی قابل‌مقایسه با یک دهه گذشته نیست. رأی هند علیه ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان‌دهنده این است که این کشور به‌منظور ادامه مسیر توسعه‌یافتگی خود، خواستار ماندن در کنار ایالات متحده آمریکا برای گرفتن سهم خود در نظام بین‌الملل است. هند همچنین در چارچوب رفتاری و ساختاری سیاست خارجی توسعه‌گرا تلاش کرده تا روابط هرچه گسترده‌تر و سازنده‌تری با قدرت‌های بزرگ شکل دهد تا از طرفی مانع از اقدامات ویرانگر آنان در مسیر توسعه کشورش شود و از طرف دیگر، از امکانات و قابلیت‌های گسترده این قدرت‌ها در بخشی از مسیر «سازه‌انگار» و «گفتمانی» آن بهره‌گیرد (توحیدی، ۱۳۸۷: ۶۰۵). از این‌رو رعایت بایسته‌های سیاست خارجی توسط هند را باید در راستای دیدگاه آمریکا در قبال ایران تفسیر نموده و همگام با آن دانست (Kronstadt, 2007: 15).

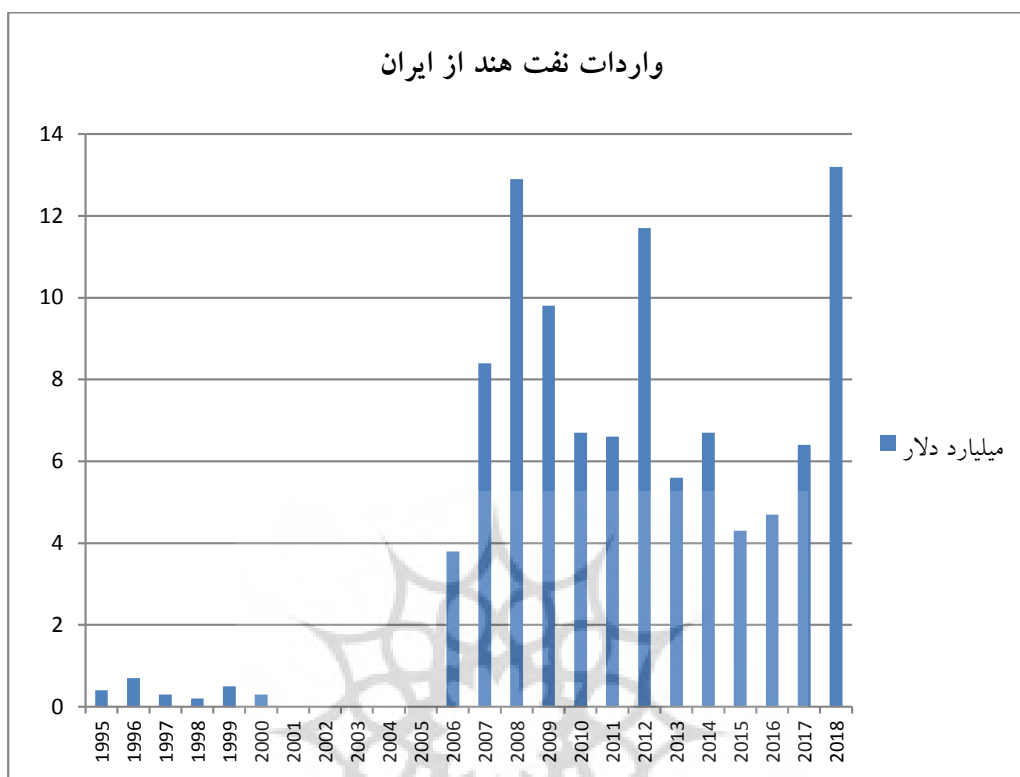
عامل دیگری که می‌تواند در روابط ایران و هند تأثیرگذار باشد، سیاست دولت مودی در عرصه داخلی و خارجی است. دولت مودی که از خاستگاه ملی‌گرایی هندو به قدرت رسید، در عرصه داخلی سعی نموده است که برای جلب نظر هندوها سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای در قبال مسلمانان اتخاذ نماید و این امر می‌تواند روابط با ایران را دچار چالش نماید؛ زیرا همان‌طور که در سطور بالا اشاره شد سرنوشت اقلیت‌های مسلمان از نظر هویتی برای سیاست خارجی ایران مهم است. به همین دلیل در سفر آقای امیر عبداللهیان وزیر امور خارجه ایران به هند که در خردادماه ۱۴۰۱ صورت گرفت، وی با علما و روحانیون این کشور دیدار نمود و اظهار داشت: «در دیدارها با مقامات عالی هند بر این نکته تأکید کرده که جامعه مسلمانان هند سهم بزرگی در پیشرفت و توسعه هند داشته است و این ویژگی ارزشمند که بر جامعه مسلمانان صدق می‌کند نتیجه تلاش و حضور علمای اسلامی است» (سایت وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۱). فشار بر مسلمانان در داخل و دنباله‌روی از سیاست‌های غرب و به‌ویژه آمریکا در سیاست خارجی به‌عنوان مهم‌ترین عواملی شناخته می‌شود که در سطح کارگزار از جانب هند می‌تواند روابط با ایران را تحت تأثیر قرار دهد.

مقایسه مناسبات تجاری و همچنین واردات نفت از ایران در سال‌های اخیر نشان می‌دهد، هند در روابط خود با ایران با اتخاذ سیاست کمترین خطرپذیری، به‌دنبال منافع تجاری خود و در همین راستا تبعیت از سیاست‌های تحریمی آمریکا علیه ایران، بوده است. به همین دلیل

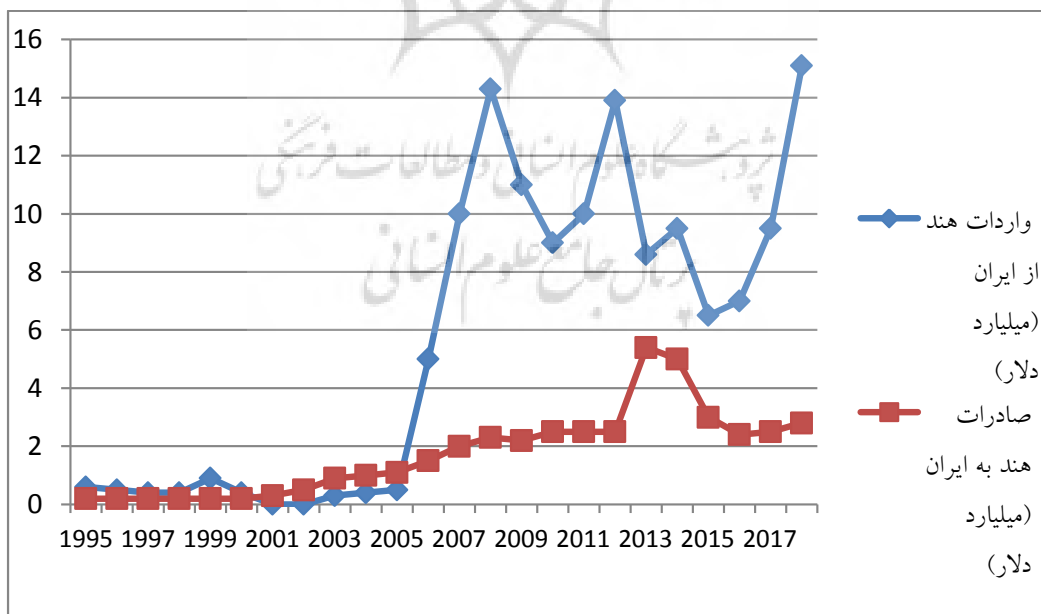
هرگاه تنش‌ها و تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران افزایش یافته است، این کشور خود را ملزم به رعایت آن‌ها دانسته و هرگاه تنش‌ها کاهش یافته است، شاهد بهبود روابط بوده‌ایم. هند به‌عنوان یک قدرت نوظهور منطقه‌ای نیاز فراوانی به واردات انرژی دارد تا از رقابت با چین عقب نماند. نگاهی به نوسانات واردات نفت از ایران توسط هند در سال‌های اخیر سیاست این کشور در قبال ایران و محدودیت‌های ساختاری این کشور را روشن می‌سازد. نمودار زیر نشان می‌دهد که هند در پی تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، پس از سال ۲۰۱۱، میزان واردات نفت ایران را به میزان قابل توجهی کاهش داد، اما پس از تخفیف تحریم‌ها در نتیجه امضای برجام، واردات نفت هند از ایران مجدد افزایش یافت به‌طوری‌که در ژوئیه ۲۰۱۸، به ۸۰۰۰۰۰ بشکه در روز افزایش یافت که بسیار بالاتر از سطح ۲۰۱۱ بود. همچنین هند ۵/۶ میلیارد دلار بدهی خود را برای نفت خریداری شده طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ به ایران پرداخت کرد (Katzman, 2021: 46).

واردات نفت ایران توسط هند، بخش عمده تجارت دوجانبه را تشکیل می‌دهد. حجم این تجارت بسته به شرایط تحریم بسیار متغیر بوده است. در سال ۲۰۰۸، ایران به‌عنوان دومین تأمین‌کننده بزرگ هند ظاهر شده بود و تقریباً ۱۵ درصد از واردات نفت هند را به خود اختصاص می‌داد. تا سال ۲۰۱۴، این مقدار به کمتر از ۱۱ میلیون تن کاهش یافته بود. بعد از پایان یافتن برجام و کاهش تحریم‌ها، این مقادیر دوباره افزایش یافت. در سال ۲۰۱۷، هند روزانه ۵۶۰ هزار بشکه وارد می‌کرد، اما با وضع مجدد تحریم‌ها توسط ایالات متحده، نیمی از آن‌ها کاهش یافت. (Perteghella, 2019: 98-99). سهم ایران در واردات نفت هند که در سال ۲۰۰۹ دومین تأمین‌کننده نفت هند به‌شمار می‌رفت، در سال ۲۰۲۰ به یک درصد کاهش یافت و از این سال ایران در بین ۲۰ کشور اول صادرکننده نفت به هند قرار نداشت (Powell and et al, 2022).

نمودار واردات و صادرات ايران و هند



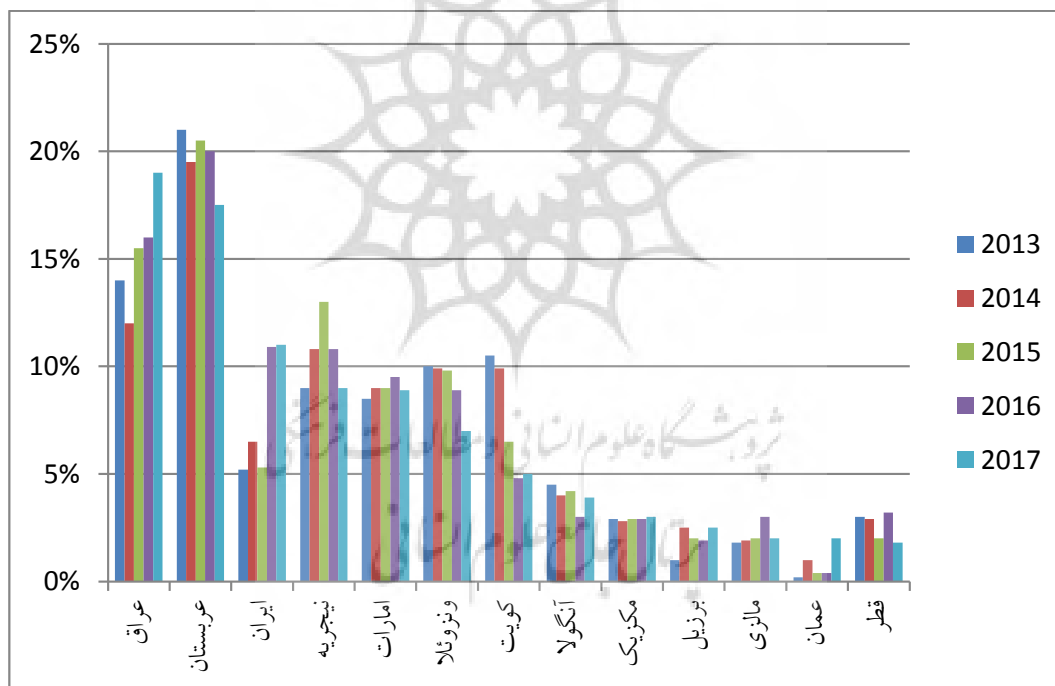
Source: Thirarath, 2016: Middle East Institute



Source: Ministry of commerce and industry of India

نیاز شدید هند به انرژی در مسیر توسعه خود، باعث شده است که این کشور با رویکردی توسعه‌محور در جهت تأمین نیازهای خود به متنوع‌سازی و در صورت لزوم جایگزینی شرکای نفتی خود بپردازد. توسعه روابط هند با کشورهای حاشیه خلیج فارس را می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد. همان‌طور که در نمودار زیر قابل مشاهده است صادرات نفت ایران به هند، از عربستان و عراق کم‌تر بوده است. سهم عراق از واردات نفت هند، از ۹ درصد در سال ۲۰۰۹، به ۲۲ درصد در سال ۲۰۲۰ افزایش یافت و جای عربستان که رتبه نخست را با ۱۸ درصد داشت، گرفت. صادرات نفت امارات به هند هم قابل توجه است و نشان از آن دارد که هند با رقبای منطقه‌ای ایران روابط خوبی دارد. این وضعیت که برآمده از سیاست خارجی هند در سطح کارگزار است، می‌تواند چالشی ساختاری برای روابط دو کشور محسوب شود.

نمودار واردات نفت هند



Source: Verma, 2022: Reuters

ایران روابط خوبی با کشورهای حاشیه خلیج فارس و به‌خصوص امارات و عربستان ندارد، درحالی‌که هند به افزایش روابط استراتژیک خود با این کشورها ادامه می‌دهد. هند درصدد بوده است که روابط خود با ایران و عربستان را به‌صورت مستقل توسعه دهد. تعاملات سیاسی، توافق‌نامه‌های

امنیتی و همکاری دفاعی با کشورهای حاشیه‌ی خلیج‌فارس در دستور کار هند بوده است. واردات انرژی و حضور کارگران هندی در کشورهای حوزه‌ی خلیج‌فارس، از جمله اهداف هند در روابط با این کشورها به شمار می‌رود. دو عامل دیگری که می‌تواند هند را به کشورهای خلیج‌فارس نزدیک کند و به همان میزان از ایران دور سازد، روابط حسنه این کشورها با آمریکا و عادی شدن رابطه آن‌ها با رژیم اسرائیل است. دنبال کردن چنین سیاستی و روابط قوی‌تر با کشورهای حاشیه خلیج‌فارس می‌تواند تهدیدی برای ایران تلقی شود (Pethiyagoda, 2018: 18).

ازلحاظ ساختاری، ملاحظات روابط هند با آمریکا، کشورهای حوزه خلیج‌فارس، رژیم اسرائیل، چین، پاکستان و افغانستان می‌تواند روابط این کشور با ایران را متأثر سازد که ذیلاً به مهم‌ترین آن‌ها خواهیم پرداخت؛

نقش آمریکا در روابط ایران و هند

سیاست خارجی هند نسبت به آمریکا از یک رابطه عادی به سمت همکاری در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و امنیتی حرکت کرده است. از جمله عواملی که باعث نزدیکی دو کشور شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اول، هدف مشترک دو کشور برای مبارزه با تروریسم؛ دوم، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی که در کنار مبارزه با تروریسم به دغدغه مشترک دو کشور تبدیل شده است (Banerjee, 2015: 1-7)؛ سوم، منافع مشترک دو کشور در ارتباط با امنیت انرژی و تهدیدات زیست‌محیطی؛ چهارم اهمیت تحولات افغانستان برای هند است که از گذشته تاکنون در تلاش بوده تا با نزدیکی به ایالات متحده، جای برای حضور و نفوذ خود در افغانستان به دست آورد (Kronstadt & Katzman, 2007: 7-9)؛ پنجم، قدرت گرفتن چین در منطقه و نگرانی مشترک آمریکا و هند از سلطه چین بر منطقه است. آمریکا و هند در این راستا از هر نوع تلاشی از جمله ایجاد ناامنی در مرزهای چین، تحریک عوامل درونی نظیر مسلمانان سین کیانگ، براندازی حکومت‌های متمایل به چین و ایجاد مانع در انتقال انرژی به چین، فروگذار نکرده‌اند (Dormandy, 2007: BELFER Center Website).

این در حالی است که ایران پس از انقلاب اسلامی روابط تیره‌ای با آمریکا داشته و نزدیکی هند با آمریکا و تبعیت از سیاست‌های تحریمی آمریکا علیه ایران باعث شده است که روابط دو کشور نتواند در سطح مطلوبی قرار گیرد. به‌ویژه تبعیت هند از آخرین تحریم‌های آمریکا علیه ایران در حوزه‌های نفتی، مالی-بانکی و کشتیرانی باعث کاهش روابط تجاری دو کشور و روی

آوردن بیشتر ایران به کشورهای نظیر چین و روسیه شده است. هند نمی‌تواند در روابط خود با ایران، نقش آمریکا را نادیده بگیرد. نمونه این خط‌مشی فشار آمریکا بر هند برای رأی علیه ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است (گود و موخرجی، ۱۳۹۶: ۱۶۸).

نقش چین در روابط ایران و هند

هند، چین را به‌عنوان رقیب جدی خود در منطقه می‌داند. موضوعی که بیش از همه رابطه چین و هند را با چالش مواجه کرده است، کمک و حمایت‌های چین از پاکستان است (Southerlan, Matthew & Et al, 2014: 7) که مشهودترین نمونه آن، حضور چین در بندر گوادر^۱ پاکستان است. همین حضور باعث شد که هند پروژه توسعه بندر چابهار در ایران را با جدیت دنبال کند. افزایش نفوذ هند در ایران می‌تواند دهلی را قادر سازد تا از این محاصره استراتژیک رهایی یابد. موقعیت ایران هم‌چنین به دلیل رقابت استراتژیک فزاینده دهلی با چین در اقیانوس هند و آرام، جایی که حوزه‌های نفوذ سنتی به چالش کشیده می‌شود، ارزش آن را برای هند افزایش می‌دهد (عابدینی و دیگران، ۱۴۰۱: ۹۶-۹۵)؛ اما سیاست ایران مبنی بر مخالفت با حضور نیروهای خارجی در منطقه و به‌ویژه حضور آمریکایی‌ها در منطقه بیشتر با سیاست چین سازگاری دارد. هم‌چنین، تحریم‌های اعمال شده علیه ایران از یک‌سو و نزدیکی هند و آمریکا و در پی آن فشار آمریکا بر هند برای کاهش و متوقف کردن واردات نفت از ایران از سوی دیگر، باعث شد که ایران هرچه بیشتر به سمت کشورهایمانند چین و روسیه متمایل شود.

پکن حتی پس از تشدید تحریم‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲، روابط تجاری خود را با ایران تعمیق بخشید؛ بنابراین، چین برای اقتصاد ایران بسیار مهم بوده است. در حال حاضر چین بزرگ‌ترین بازار صادراتی نفت ایران است. پکن در صورت احیای مجدد تحریم‌های غرب، توانایی بیشتری برای دور زدن تحریم‌های غرب دارد (pethiyagoda, 2018: 11-12).

از آنجاکه تحریم‌های ایالات متحده هند را مجبور به کاهش روابط خود با ایران می‌کند، یک خلأ در روابط خارجی ایران ایجاد می‌شود که چین به‌طور بالقوه می‌تواند آن را پر کند. چین علی‌رغم تحریم‌های آمریکا، تمایل مداوم به همکاری با ایران را نشان داده است، این کشور با سرمایه‌گذاری ۲۸۰ میلیارد دلاری در صنعت نفت و همچنین با خرید ۶٪ از نفت موردنیاز خود از ایران، بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران بوده است (Honrada & Ranjbar, 2020: 3). این

^۱. Gwadar Port

شکاف‌ها می‌تواند به‌طور بالقوه منجر به این شود که ایران سرانجام به پایگاهی برای نفوذ بیشتر چین در خاورمیانه تبدیل شود و به ضرر منافع هند باشد. ایران و چین در حال حاضر یک قرارداد مشارکت راهبردی ۲۵ ساله دارند که شامل تجارت، سیاست، فرهنگ و امنیت است. به‌علاوه، این احتمال وجود دارد که چین بتواند برای محافظت از منافع در حال گسترش خود در خاورمیانه، نیروها یا کشتی‌های جنگی مستقر کند. در قرارداد مشارکت استراتژیک ایران و چین مقرراتی وجود دارد که به چین اجازه می‌دهد تا ۵۰۰۰ نیروی نظامی برای محافظت از کارگران و کارشناسان چینی در ایران مستقر کند. در سال ۲۰۱۹، چین، ایران و روسیه رزمایش‌های دریایی را در خلیج عمان انجام دادند (Honrada & Ranjbar, 2020: 3). چنین وضعیتی، خطرات امنیتی قابل توجهی برای هند دارد. اگر مشارکت چین و ایران بی‌وقفه رشد کند، هند که خود را در محاصره حضور چین در بندر گوادر در پاکستان، بندر هامبانوتا^۱ در سریلانکا و مرز چین و هند در هیمالیا ببیند، ممکن است حضور پررنگ چین در ایران دسترسی هند به آسیای میانه را قطع کرده و آن را از ذخایر احتمالی انرژی و بازارها محروم کند. هند برای مقابله با حضور چین در ایران، سیاست همکاری خود با خلیج فارس را گسترش داده و توافق‌نامه‌های امنیتی و دفاعی را با عربستان سعودی، امارات، عمان و قطر امضا کرده است. لذا روابط هند و ایران با ایستایی مواجه شده است و چین و ایالات متحده از عوامل اصلی تعیین پویایی این روابط خواهند بود (Moonakal, 2020: 9).

نقش رژیم اسرائیل در روابط ایران و هند

در سال‌های ابتدایی پس از استقلال هند، به دلیل نزدیکی دهلی‌نو به اردوگاه شرق و پس‌از آن تأثیرپذیری از جنبش عدم تعهد و در مقابل قرار داشتن رژیم اسرائیل در اردوگاه شرق، هند به دفاع از آرمان‌های فلسطین پرداخت. با فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد و همچنین نزدیک شدن هند به آمریکا، روابط هند و رژیم اسرائیل نیز رو به بهبودی نهاد و همکاری دو طرف در حوزه‌های اقتصادی و نظامی افزایش یافت به‌طوری‌که در اواسط دهه ۹۰ میلادی، هند به سومین شریک تجاری این رژیم در آسیا تبدیل شد.

نزدیک شدن هند به آمریکا و رژیم اسرائیل و نادیده گرفتن آرمان‌های ملت فلسطین، به معنای دور شدن این کشور از ایران و بروز چالش در روابط دو کشور است. در سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴، ایالات

¹. Hambantota Port

متحده و رژیم اسرائیل از هند خواستند تا روابط دفاعی، انرژی و استراتژیک خود را با ایران به حداقل برساند. چنین فشارهایی بر هند برای کاهش روابط با ایران ادامه داشت. در سال ۲۰۱۲، یک دیپلمات اسرائیلی در دهلی نو مورد حمله قرار گرفت. ایران متهم شد که به دلیل تلافی ترور دانشمند هسته‌ای خود دست به این اقدام زده است، لذا فشار رژیم اسرائیل و آمریکا منجر به آن شد که وزیر خارجه هند این اقدام را محکوم کند. در جریان سفر رئیس‌جمهور رژیم اسرائیل به هند نیز در سال ۲۰۱۶، تل‌آویو علناً نگرانی‌های خود را در مورد دوستی هند با ایران اعلام کرد (Pethiyagoda, 2018: 14).

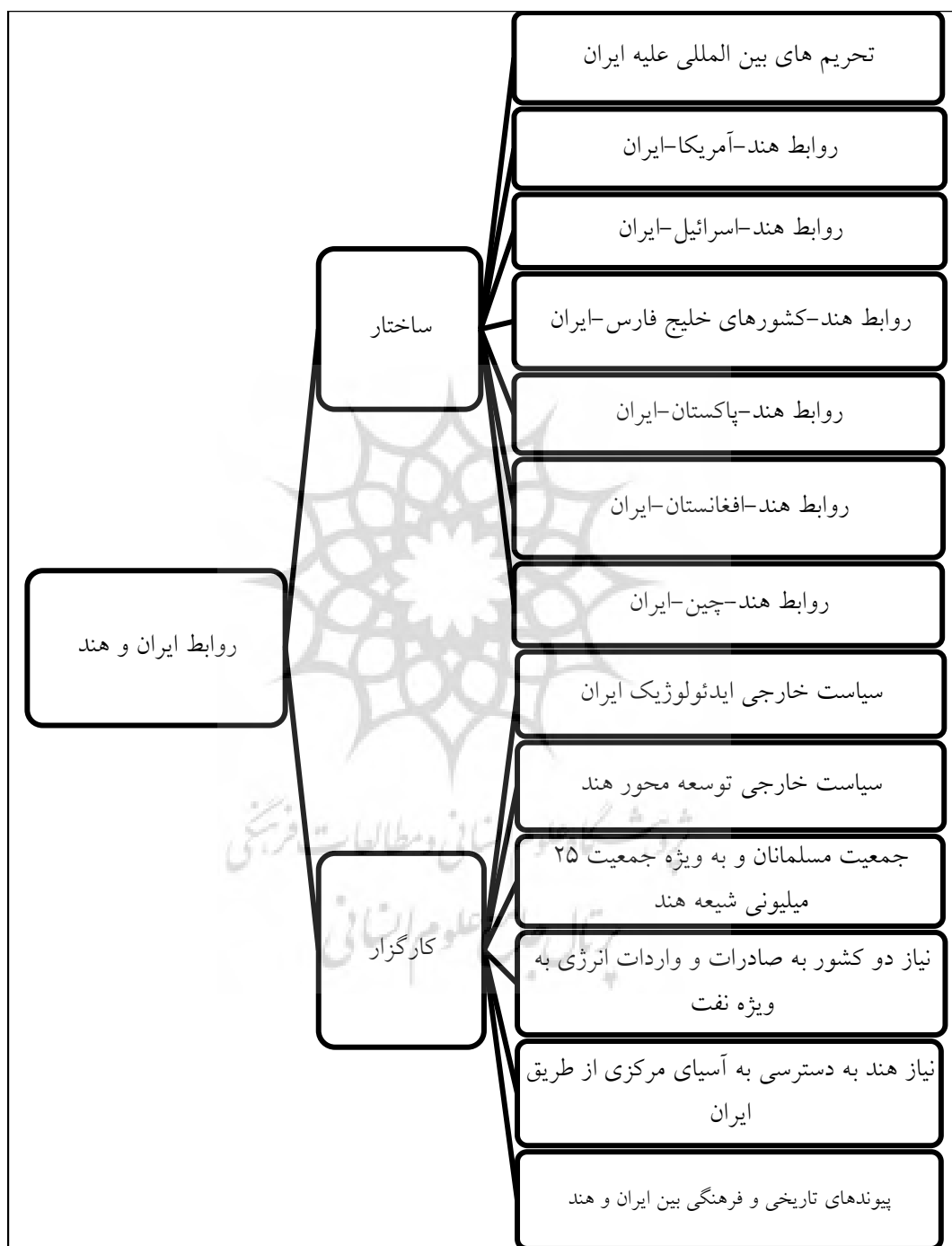
اما هند تلاش کرده است که در راستای اصل «خودمختاری استراتژیک»^۱، روابط خود را هم‌زمان با ایران، آمریکا، رژیم اسرائیل و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس توسعه دهد. این بدان معناست که دهلی منافع خود را از طریق ارتباط با قدرت‌های متعدد، بدون در نظر گرفتن خصومت آن‌ها با یکدیگر، دنبال می‌کند. افزایش روابط هم‌زمان با بازیگران متعدد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تا حدودی نشان از مجموعه متنوعی از منافع امنیتی دهلی دارد.

نتیجه

روابط ایران و هند دارای پیشینه تاریخی و قدمت زیادی است. علی‌رغم منافع استراتژیک منطقه‌ای مشترک و پیوندهای تاریخی و تمدنی دو کشور، به دلیل محدودیت‌هایی که هم در سطح ساختار و هم کارگزار وجود دارد، روابط دو کشور از پیشرفت مطلوبی برخوردار نبوده است. پیش از انقلاب اسلامی، قرار گرفتن هند در بلوک شرق و در مقابل قرار گرفتن ایران در بلوک غرب و همچنین عضویت ایران در سنتو، مانع از توسعه روابط ایران و هند شد. پس از انقلاب اسلامی نیز، هویت برگرفته از انقلاب اسلامی و معرفی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور تجدیدنظرطلب و عدالت‌خواه و در نتیجه رویارویی ایران با آمریکا به‌عنوان قدرت هژمون و طرفدار حفظ وضع موجود، باعث شده است که در حوزه‌های منطقه‌ای و همچنین پرونده هسته‌ای ایران چالش‌هایی پیش روی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد که مهم‌ترین آن تحریم‌های اعمال شده علیه ایران است. از سوی دیگر سیاست توسعه‌ای هند و هویت و نوع نگاه این کشور در سیاست خارجی باعث شده است که این کشور با رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی ایران روابط نزدیکی داشته باشد، امری که موانع ساختاری در روابط دو کشور را تشدید نموده است. توسعه روابط هند با آمریکا، رژیم اسرائیل، کشورهای حوزه خلیج فارس و رقابت منطقه‌ای با

¹ Strategic Autonomy

چین از جمله مواردی است که در این خصوص می‌توان به آن اشاره کرد. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان عوامل مؤثر در روابط ایران و هند (ساختار-کارگزار) را در نمودار زیر مشاهده کرد:



منابع و مأخذ

فارسی:

- احمدی فشارکی، حسنعلی (۱۳۹۰)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و هند: حوزه‌های تعامل و تقابل»، **فصلنامه مطالعات جهان**، ۲: ۱۸۲-۱۴۹.
- ازغندی، علیرضا؛ مجید (۱۳۹۱)، «بررسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه نظریه سازه-انگاری»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، ۲۱: ۲۳۱-۲۰۵.
- امساکي، حمیدرضا (۱۳۹۳)، «روابط فرهنگی ایران و هند از دیرباز تاکنون»، **همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی**، ۹: ۶۷۹-۷۰۴. در:
<https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=18996> (تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۹/۶)
- پایگاه خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۵)، «صادرات نفت ایران به هند رکورد ۱۵ ساله را شکست»،
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/10/24/1295260/>، ۱۳۹۵/۱۰/۲۴
- پایگاه اطلاع‌رسانی دولت (۱۳۹۴)، «امضای توافقنامه جامع همکاری‌های اقتصادی ایران و هند»، قابل دسترسی در: <https://dolat.ir/detail/272409>، ۱۳۹۴/۱۰/۷
- پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری (۱۳۹۵)، «توافقنامه سه‌جانبه ترانزیتی چابهار تحولی عظیم در مناسبات منطقه‌ای است/ ایران، امین و دبیرخانه دائمی موافقت‌نامه شد»، قابل دسترسی در: ۱۳۹۵/۳/۳،
<https://www.president.ir/fa/93692>
- پایگاه خبری تحلیلی الف (۱۳۹۵)، «هند در ایران سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد دلاری می‌کند»،
<http://old.alef.ir/vdcjhtetmuqexaz.fsfu.html?343796>، ۱۳۹۵/۱۲/۱
- پایگاه میز نفت، (۱۳۹۴)، «آمادگی هند برای سرمایه‌گذاری ۱۵ میلیارد دلاری در ایران»، قابل دسترسی در <https://www.mizenaft.com/news/9174/>، ۱۳۹۴/۷/۲
- پایگاه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۱)، «وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با علما و روحانیون برجسته در دهلی نو دیدار کرد»، ۱۴۰۱/۳/۱۸، قابل دسترسی در:
<https://mfa.gov.ir/portal/newsview/682868>
- توحیدی، ام‌البنین (۱۳۸۷)، «سیاست خارجی توسعه‌گرا؛ بررسی تجربی هند»، **مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا**، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**. تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ مهدی عطایی (۱۳۹۲)، «گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، ۱: ۱۲۰-۸۷.
- رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۱)، «بررسی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌انگاری»، **فصلنامه علوم سیاسی**، ۵۸: ۲۰۰-۱۷۷.

- رضایی، علیرضا؛ قاسم ترابی (۱۳۹۲)، «سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ۱۵: ۱۶۱-۱۳۱.
- رنجکش، محمدجواد؛ سحر ثروتی (۱۳۹۰)، «فقه و پویایی ماهیت سیاست خارجی رانشر/بازدارنده»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱، ۲: ۱۵۴-۱۳۱.
- ستوده آرانی، محمد (۱۳۸۱)، «رابطه ساختار-کارگزار: چارچوبی برای مطالعه تحول سیاست خارجی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، ۱: ۳۲-۱.
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: قابلیت و امکان تغییر»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، ۱: ۴۰-۲۱.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۴)، نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن، تهران: سازمان سمت.
- طاهری، ابراهیم؛ محسن بیات (۱۳۹۷)، «روابط خارجی هند: فرصت‌ها و محدودیت‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران»، دو فصلنامه شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۳۴: ۲۱۰-۱۹۱.
- عابدینی، حسن؛ ریباز قربانی نژاد؛ عبدالرضا فرجی راد؛ محمد اخباری (۱۴۰۱)، «رقابت استراتژیک و ژئوپلیتیکی مسیر دریایی پروژه یک کمر بند یک جاده چین در اقیانوس هند»، نشریه علمی-پژوهشی اقیانوس‌شناسی، ۴۹: ۱۰۷-۹۲.
- عامر، خان محمد (۱۳۷۸)، «علل گسترش و رواج زبان و ادب فارسی در هند»، نامه پارسی، ۴: ۶۴-۴۲. در: <http://ensani.ir/file/download/article/20101129133256> (تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۷/۴)
- عسگرخانی، ابومحمد؛ جهانشیر منصوری مقدم (۱۳۸۹)، «همکاری و منازعه در روابط بین‌الملل: نگاهی به نظریه سازه‌انگاران الکساندر ونت»، فصلنامه سیاست، ۳: ۲۰۸-۱۸۹.
- گود، آرسیدا؛ منیسا موخرجی (۱۳۹۶)، روابط معاصر ایران و هند، ترجمه سید حسین رئیس‌السادات، مشهد: پاپلی.
- محمدیان، علی؛ علیرضا رضایی (۱۳۹۵)، «تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره حسن روحانی از منظر نظریه پیوستگی جیمز روزنا»، کنفرانس جهانی افق‌های نوین در علوم انسانی، آینده‌پژوهی و توانمندسازی، در: <https://civilica.com/doc/485951> (تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۹/۷)
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، «گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری»، فصلنامه سیاست، دانشگاه تهران، ۶۳: ۲۰۲-۱۶۹.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۳)، «رویکردهای معنایی در روابط بین‌الملل و تأثیر آن‌ها در تحلیل سیاست خارجی»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۳۸: ۸۵-۴۹.
- مشیرزاده، حمیرا؛ حیدر علی مسعودی (۱۳۸۸)، «هویت و حوزه‌های مفهومی روابط بین‌الملل»، فصلنامه سیاست، ۴: ۲۶۹-۲۵۱.
- مظاهری، محمد مهدی؛ اعظم ملایی (زمستان ۱۳۹۲)، «دولت، هویت و سیاست خارجی در ایران معاصر»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۲، ۷: ۱۴۶-۱۲۵.

– نیاکوئی، سید امیر؛ سجاد بهرامی مقدم (۱۳۹۳)، «روابط ایران و هند فرصتها و محدودیتها»، فصلنامه روابط خارجی، ۶، ۱: ۱۶۰-۱۲۳.

انگلیسی:

- Alam, Anwar (2011), **India and Iran: An Assessment of Contemporary Relations**, New Delhi: New Century Publications.
- Banerjee, Stuti (2015), “India and the United States: Strengthening the Partnership,” **Indian Council of World Affairs**, pp. 1-9. Available at: <https://www.academia.edu/11383862> (Accessed 3 October 2021)
- Dormandy, Xenia (2007), “India’s Foreign policy”, **BELFER Center for Science and International Affairs**, Available: <https://www.belfercenter.org/publication/indias-foreign-policy> (Accessed 10 January 2022)
- Ganapathi, M. (2016), “Think West in India’s Foreign Policy”, **Chennai Center for China Studies**, Available: <https://www.c3sindia.org/archives/think-west-in-indias-foreign-policy-by-ambassador-ret-d-m-ganapathi/> (Accessed 10 November 2021)
- Goud, R. sidda; Manisha Mookherjee (2014), **India and Iran in Contemporary Relations**, New Delhi: Allied Publisher PVT.
- Guzzini, Stefano (2000), “A Reconstruction of Constructivism in International Relations”, **European Journal of International Relations**, 6, 2: 147-182. <DOI: 10.1177/1354066100006002001>
- Hafeez, Mahwish (2019), "India-Iran Relations: Challenges and Opportunities", **Strategic Studies**, Vol 39, No. 3: pp. 22-36. Available: <https://www.jstor.org/stable/pdf/48544308.pdf> (Accessed 21 October 2021)
- Honrada, Gabriel; Daniyal Ranjbar (2020), “US Sanctions against Iran and Their Implications for the Indo-Pacific”, **E-International Relations**, Available at: <https://www.e-ir.info/pdf/88954> (Accessed 14 September 2021)
- Katzman, Kenneth (2021), “Iran’s Foreign and Defense Policies”, **Congressional Research Service**, Available at: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/R/R44017> (Accessed 6 November 2021)
- Kronstadt, K. Alan; and Kenneth Katzman (2007), “India-Iran Relations and U.S. Interests”, **Congressional Research Service**, Available at: <https://www.hsdl.org/?view&did=465840> (Accessed 1 February 2022)
- Ministry of Commerce and Industry of India (2022), “Export Import Data Bank”, <https://tradestat.commerce.gov.in/eidb/iecnt.asp>
- Moonakal, Nadeem Ahmed (2020), “India-Iran Relations: Assessing Prospects and Challenges”, **Journal for Iranian Studies**, 4, 11: 6-21. Available at: <https://rasanah-iiis.org/english/centre-for-researches-and-studies/india-iran-relations-assessing-prospects-and-challenges/> (Accessed 5 January 2022)
- Onuf, Nicholas (1989), **World of Our Making: Rules and Rule in Social Theory and International Relations**, London: Routledge.
- Pant, Harsh (2004), “India and Iran: An Axis in the Making?”, **Asian Survey**, 44, 3: 369-383. <DOI: 10.1525/as.2004.44.3.369 > (Accessed 30 March 2022)
- Pardesi, Manjeet S. (2021), “India’s China strategy under Modi continuity in the management of an asymmetric rivalry”, **International Politics**, 59: 44-66.

- Available at: <https://link.springer.com/content/pdf/10.1057/s41311-021-00287-3.pdf> (Accessed 11 October 2021)
- Perteghella, Annalisa (2019), **Iran Looking East: An Alternative to the EU?**, Milan: Ledizioni LediPublishing, Available at: https://www.ispionline.it/sites/default/files/publicazioni/isp_iiran_looking_web.pdf (Accessed 20 February 2022)
 - Pethiyagoda, Kadir (2018), **India's Pursuit of Strategic and Economic Interests in Iran**, Doha: Brookings Institution, Available at: <https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2018/09/Indias-Pursuit-of-Strategic-and-Economic-Interests-in-Iran.pdf> (Accessed 31 August 2021)
 - Powell, Lydia; Akhilesh Sati; Vinod Kumar (2022), "India's oil imports: Trends in diversification", **Observer Research Foundation**. Available: <https://www.orfonline.org/expert-speak/indias-oil-imports/> (Accessed 25 June 2022)
 - Southerland, Matthew & et al (2014), **China-India Relations: Tensions Persist Despite Growing Cooperation**, New York: Columbia University Press.
 - Thirarath, Itt (2016), "India's Crude Oil Import from Iran", **Middle East Institute**, Available at: <https://www.mei.edu/publications/indias-crude-oil-imports-iran> (Accessed 20 March 2022)
 - Twinning, Daniel. (2008) "India's Relations with Iran and Myanmar: Rogue State or Responsible Democratic Stakeholder?", **India Review**, Vol 7, Issue 1: pp. 1-37. <DOI: 10.1080/14736480801901147> (Accessed 8 January 2022)
 - Verma, Nidhi; Gavin Maguire (2022), "OPEC's share of Indian oil imports falls to lowest in at least 15 yrs.", **Reuters**, Available at: <https://www.reuters.com/markets/europe/opecs-share-indian-oil-imports-falls-lowest-least-15-yrs-2022-01-20/> (Accessed 26 June 2022)